یادداشت

سمفونی اوهام

اردشیر زارعی قنواتی

تحولات عراق در کشاکش هر رخداد کیفی و کمی در عرصه درونی خود همواره جهان را در تقابل بین واقعیت و توهم سرگردان کرده است. بی‌ثباتی در این کشور به یک تراژدی پایان‌ناپذیر تبدیل شده است و هر روز ابعاد گسترده‌تری به خود می‌گیرد. این در حالی است که اکثر بازیگران این نمایش تراژیک برخلاف نقش واقعی خویش اصرار دارند که بعضاً در قالب طنز نیز نقش‌آفرینی کنند. همین دوگانگی در ایفای نقش موجب شده است که تا به امروز نه واقعیت تراژدی را پایانی باشد و نه شوخ‌طبعی طنز را آغازی برای خنده و بسط خاطر همگانی. شاید به جرات بتوان ادعا کرد که همین دوگانگی عامل اصلی تمام مشکلات عراق بوده است و حتی موفقیت‌های قابل توجه کمی و موردی را نیز در مسلخ قلب واقعیت به هرز برده است. گفتند که عراق تسلیحات کشتار جمعی دارد و با تروریسم بین‌المللی در ارتباط است که نداشت و نبود. گفتند که با سرنگونی دیکتاتور و فروپاشی رژیم صدام حسین پیروزی به دست می‌آید که نشد. گفتند که دستگیری دیکتاتور فراری و همدستانش پایان جنگ و ناامنی است که نبود. گفتند که تصویب قانون اساسی و تشکیل دولت دائم عراق تیر خلاص به شورشگری است که واقعیت نداشت. و به تازگی قتل «ابومصعب الزرقاوی» رهبر شاخه تروریستی القاعده در عراق و تکمیل دولت «نوری‌المالکی» نخست‌وزیر فعلی این کشور را طوری در هاله‌ای از معجزه و پیروزی قرار داده‌اند که انگار این بار پایانی است برای تمامی ناکامی‌ها و نشدها، در صورتی که این تنها یک توهم است. تجربه و عنصر واقعیت نشان داده است که عراق این چنین از جنگ کنونی رها نمی‌شود و ثبات نمی‌یابد. در شرایطی که عراق از معضلات اساسی همچون منازعات قومی – مذهبی، تقابل ناسیونالیسم عربی با اشغالگری خارجی، نبود تعامل لازم به بافت غالب منطقه‌ای و بستر مساعد برای پرورش و جذب تروریسم در رنج است هرگونه سخنی از موفقیت هیاهو برای هیچ خواهد بود. مشکل اساسی عراق در آنجا است که هیچ گونه استراتژی برای شرایط مصالحه و عدم موفقیت یکجانبه تدوین نشده است و تاکنون نیز بازیگران این عرصه نتوانسته یا نخواسته‌اند که به واقعیت‌ها تمکین کنند. آنان هر کدام به فراخور منافع و خواست خود موفقیت‌های موردی را به سطح تعیین تکلیف استراتژیک ارتقا داده و از این مسئله به عنوان یک سکوی پرتاب در حوزه رقابت‌های داخلی و خارجی استفاده می‌کنند. چنین شرایطی تا به امروز موجب شده تا الزام تمکین به مصالحه در عرصه بین‌المللی، منطقه‌ای و مهم‌تر از همه داخلی عراق شکل نگیرد. تمامیت‌خواهی عوامل داخلی و خارجی در تحولات عراق و تلقی «سیاه و سفید» از مسائل دلیل اصلی نادیده گرفتن واقعیات خاکستری این بحران بوده است. در بحران عراق گستردگی و تنوع نیروهای رقیب تا به آن اندازه است که هرگونه بزرگ‌نمایی ابزاری از یک شق از این مسئله برای مشروعیت‌بخشی به موقعیت خویش، هر اقدامی یا موفقیتی را ناکام یا گاهاً به ضد خود تبدیل می‌کند. عراق را می‌بایست همچون یک پازل دید که تروریسم القاعده‌ای تنها قطعه‌ای از آن است و زرقاوی مقتول یا المصری جانشین وی جزیی از این قطعه هستند. به همین دلیل هرگونه تمرکز بیش از حد بر یک قطعه و عدم توجه به دیگر قطعات به خصوص در موقعیت هارمونیک آن، هر چیدمانی را با مشکل مواجه می‌کند. تجربه تحولات بین‌المللی همواره موید این نکته بوده است که هیچ تحولی خارج از ذات مسئله و واقعیت با موفقیت‌های موردی به کامیابی ختم نمی‌شود. چنانچه فاشیسم هیتلری با سوزاندن یهودی‌ها و اشغال ده‌ها کشور اروپایی و آفریقایی هرگز نتوانست پیروز جنگ جهانی دوم باشد و امروز نیز جنبش حماس با تمام قاطعیت، ایمان و تشکیل دولت، قادر به برداشتن هیچ گام موفقیت‌آمیزی نبوده است. درس‌های عراق نشان داده است که راه حل بحران کنونی به طور کلی خارج از حیطه نظامی و امنیتی است. اقدامات و طرح‌های امنیتی از جمله آنچه هم‌اکنون توسط نوری المالکی نخست‌وزیر عراق و با حمایت قاطع ارتش آمریکا در بغداد اعمال می‌شود شاید تا حدودی از سطح درگیری‌ها بکاهد ولی این مشت آهنین نیز بدون یک استراتژی مصلحت‌آمیز و فراگیر ره به جایی نخواهد برد. اینکه سه سال است مرتب گفته می‌شود «وفاق ملی» و در ادامه جریانات اصلی و تاثیرگذار شورشی را به بهانه آلوده بودن دستانشان به خون از مدار مذاکرات خارج می‌کنند هرگونه تلاشی در این خصوص را به نقطه صفر باز می‌گرداند. در عراق دست تمامی بازیگران داخلی و خارجی بدون استثنا به خون آلوده است از نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا گرفته تا دولت حاکم، شیعیان و سنی‌ها، کردها و اعراب، که همین مجموعه نامتجانس هیچ کدام از آنان را از چنین اتهامی مبرا نمی‌سازد. در عراق و در تحلیل نهایی هیچ پیروزمندی وجود خارجی نخواهد داشت و حرکت در جهت اثبات پیروزی توسط بازیگران رقیب بیش از پیش بر پیچیدگی اوضاع و تعمیق بحران خواهد افزود. کلید قفل عراق و حل این بحران پذیرش نتیجه «پات» در عرصه بازی این شطرنج سیاسی – نظامی توسط تمام جریانات رقیب داخلی و خارجی است و به جز این «سر کوبیدن کرگدن به دیوار مقابل» خواهد بود. چنانچه سفرهای پنهانی جورج بوش رئیس جمهور آمریکا و دیگر مقامات ارشد بین‌المللی به عراق و تاکید بر اینکه «ما هیچگاه مردم عراق را تنها نخواهیم گذاشت» را باید بیشتر در قالب شعارهای تبلیغاتی به حساب آورد که برای فرار به جلو در جهت کاستن از فشارهای داخلی و بین‌المللی به زبان آورده می‌شود. در شرایط پذیرش چنین نتیجه‌ای است که اضلاع قدرت بین‌المللی و منطقه‌ای در کنار مجموعه نیروهای درونی عراق می‌توانند با حفظ اعتبار و منافع بینابینی خود در چارچوب یک مصالحه واقعی بر سر میز مذاکره و توافق قرار گیرند.

خبرها

لحود: اجازه نمی‌دهیم لبنان تجزیه شود

ایسنا: امیل لحود اظهار داشت: هدف از انتقادات پی‌درپی از مقام و شخص رئیس‌جمهور، تضعیف توان کشور در رویارویی با طرح‌هایی است که یکپارچگی ارضی، ملت و نهادهای کشور را هدف قرار می‌دهند. به گزارش روزنامه الوطن – چاپ عربستان – امیل لحود رئیس‌جمهور لبنان گفت: گاهی اخباری را درباره آینده لبنان می‌شنویم و می‌خوانیم که با واقعیت تناقض دارد، اما گاهی مطابق با فدرالیسم و تقسیم کشور به ایالت‌هایی به شیوه آمریکا است و آشکار است که هدف از طرح این مسائل تاثیرگذاری بر لبنانی‌ها و آگاهی یافتن از واکنش آنها در قبال مسائل مطرح شده است. وی ادامه داد: معتقدیم طرح این‌گونه مسائل نشانه‌ای از تلاش‌ها برای تقسیم کشور و اسکان دادن فلسطینی‌هایی است که حق بازگشت به کشورشان را ندارند.

در گفت و گو با روزنامه الحیات بیان کرد:

اسد: نقش اعراب در کنار ایران مهم است

ترجمه: سعید آقا علیخانی

روزنامه الحیات چاپ لندن مصاحبه‌ای را با بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه ترتیب داده که ترجمه آن پیش روی شما است. اسد در این مصاحبه که با یک روزنامه لبنانی و طرفدار خاندان حریری گفت‌وگو می‌کند، از مسائل مختلف به خصوص نقش پررنگ ایران در منطقه، نقش کم‌رنگ اعراب در سیاست‌های منطقه، وضعیت رابطه دوجانبه سوریه و لبنان، ادامه تحقیق درباره پرونده ترور رفیق حریری و موضوع رابطه با مصر و اردن سخن می‌گوید.

■■■

■جناب رئیس‌جمهور من در سفر اردن بودم و از آنجا می‌آیم. در اردن موفق شدم با ملک عبدالله دوم دیدار کنم و در آن دیدار متوجه شدم که ایشان به شدت از کاهش نقش عرب‌ها و افزایش قدرت و نفوذ ایران در منطقه بسیار نگران هستند. نظر شما در این باره چیست؟

اول از هر چیز ما باید ببینیم که اصلاً عرب‌ها نقشی دارند یا نه. من فکر نمی‌کنم عرب‌ها به جز چند رفت و آمد صوری نقش خاصی در منطقه داشته باشند؛ البته کنفرانس‌هایی برگزار می‌شود و هیات‌های سیاسی در رفت و آمدند اما این را نمی‌توان ایفای نقش دانست. در هر صورت شما نمی‌توانید به دولت‌های دیگر امر و نهی کنید که دست کم در منطقه خودشان نقش موثری نداشته باشند، آن هم از کشوری مانند ایران که یکی از دولت‌های مهم منطقه است. اگر نگران ایفای نقش دیگر کشورها هستید باید به جای اعتراض به نقش پررنگ آنان فکری به حال رکود کاری خودتان بکنید. ما عرب‌ها باید دست از شیوه سنتی خودمان که زاری کردن و آبغوره گرفتن است؛ برداریم و به جای آن به دنبال ایفای نقشی موثر در منطقه و جهان باشیم در چنین صورتی است که عرب‌ها نقش پررنگی در سیر تحولات خواهند داشت. اما در مورد ایران؛ من معتقدم که ایران کشور بسیار مهمی است و فعالیت پررنگ آن هم برای ثبات منطقه ضروری است و تهدید و جایگزینی برای نقش عرب‌ها محسوب نمی‌شود. ایفای نقش عرب‌ها هم به جای خود و در کنار کشوری چون ایران؛ مهم و حیاتی است منتها به شرط اینکه خود ما عرب‌ها، خواهان چنین نقشی باشیم وگرنه حق نداریم به شکل مثبت یا منفی در مورد دیگر کشورها اظهار نظر کنیم.

■می‌توان گفت که نقش‌آفرینی ایران برای منطقه ضروری است اما نه به این معنا که آن را به طور کامل جایگزین نقش‌آفرینی عرب‌ها بدانیم؟

این را هم می‌توان گفت.

■از امیر عبدالله از دلایل رکود در روابط اردن و سوریه پرسیدم و او با بیان اینکه دقایقی قبل با شما تماس تلفنی داشته است من را شگفت زده کرد؟

درست گفته است.

■آیا اتفاقات جدیدی در حال رخ‌دادن است؟

رابطه میان عرب‌ها امری بدیهی است و ما در صورت بروز مشکل چه در قالب دیدارها یا کنفرانس‌ها و چه در قالب تماس‌های تلفنی، مسائل را پیگیری می‌کنیم. تلاش ما برقراری رابطه حسنه با برادران عرب است و در حال حاضر هم برگزاری کمیسیون مشترک سوری – اردنی را پیگیری می‌کنیم و من در همین راستا در آن تماس، تلفنی ملک عبدالله را برای انجام یک دیدار رسمی به سوریه دعوت کردم.

■آیا اختلاف اردن با سوریه منشاء امنیتی دارد؟

میان ما اختلاف ریشه‌داری وجود ندارد بلکه در برخی زمینه‌ها کم و بیش اختلاف دیدگاه میان دو کشور وجود دارد. البته طبیعی است که فراخور وظایف دستگاه‌های امنیتی دو کشور، پاره‌ای اختلاف‌ها روی دهد اما فکر نمی‌کنم به خاطر هدف‌های مشترکی که داریم اختلاف اساسی وجود داشته باشد. در مورد مسائل امنیتی هم باید گفت که پس از جنگ عراق و تروریسم رو به گسترش در این کشور، تقریباً تمام کشورهای عربی دارای دغدغه و نگرانی‌های امنیتی هستند اما نباید این نگرانی‌ها را به اختلاف ریشه‌دار تعبیر کرد. این نگرانی‌ها را باید با قبول مسئولیت و تعیین یک راهبرد مشخص و با همکاری یکدیگر برطرف کنیم. سوریه اکنون همزمان با تلاش برای حل پرونده‌های اقتصادی و سیاسی خود با کشورهای منطقه به پرونده امنیتی نیز توجه جدی دارد.

■در دیدار اخیرتان با حسنی مبارک آیا او نگران افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران بود؟

من نمی‌توانم از مکنونات قلبی رئیس‌جمهور مبارک باخبر شوم. البته ما به صراحت در مورد مسایل مختلف منطقه صحبت کردیم و در این میان از ایران هم صحبت به میان آمد. در پاسخ به پرسش نخست شما بد نیست بگویم که وقتی ایشان در مورد ایران صحبت کرد خیلی رک به او گفتم که اگر عرب‌ها دید منفی به نقش ایران در منطقه دارند باید به فکر افزایش نقش خود باشند و بر همین اساس پیشنهاد کردم که عرب‌ها به جای قهر کردن در موضوع عراق به دنبال نقش‌آفرینی باشند و اصلاً محور گفت‌وگو در مورد نقش ایران را بر این اساس استوار کنند. ما از فلسطین هم صحبت کردیم اما آن موضوع مدخلی شد برای پرداختن به موضوع ایران و ضرورت نقش‌آفرینی عرب‌ها.

■ممکن است جزییات بیشتری در مورد این دیدار را در اختیارمان بگذارید مثلاً در مورد رابطه مصر و سوریه؟

ما در مورد مصر نیز به دنبال بهبود روابط و پر کردن برخی شکاف‌ها هستیم.

■و قطعاً از رابطه لبنان و سوریه نیز سخن به میان آمده است؟

بله بارها، اما صحبت اصلی در مورد فلسطین و عراق بود. ممکن است بپرسید چرا؟ پاسخ ساده است نه به خاطر بی‌اهمیت بودن لبنان بلکه به خاطر آنکه رفتار سیاستمداران لبنان باعث شده است که این کشور در جهان عرب صداقت و حیثیت خود را از دست بدهد این حرفی است که بیشتر روسا، پادشاهان و مقامات عربی که این روزها به سوریه می‌آیند بر آن مهر تایید می‌زنند.

■آیا رئیس‌جمهور مبارک بار دیگر از شما خواسته است که پذیرای فواد سنیوره نخست‌وزیر لبنان باشید؟

رئیس جمهور مبارک در این مورد زیاد صحبت کرد و مدام می‌پرسید که برای بهبود روابط با او چه خواهید کرد؟ من نیز به او پاسخ می‌دادم. همه ما می‌دانیم که ما دوبار به سنیوره بفرما گفتیم. بار اول زمانی بود که در کنفرانس سران عرب مرا دید و سلام کرد و گفت: «می‌خواهم به دمشق بیایم» من گفتم: خوش آمدید منتها پیشتر یک برنامه کاری زمانبندی شده ارائه دهید او نیامد و از برنامه کاری زمانبندی شده یا مشخص کردن یک زمان دیگر هم خبری نشد. بار دوم پس از دیدار با نبیه‌بری رئیس مجلس لبنان؛ بری به من گفت که «می‌خواهم با سنیوره به دمشق بیایم منتها بدون برنامه کاری». گفتم که درهای سوریه بر روی همه باز است اما باز هم خبری نشد. به نظر شما سوریه چه کار دیگری باید می‌کرد؟

■می‌خواهید بگویید؛ سنیوره مسئول این وضعیت است؟

بله چون سوریه به شکل مستقیم و به وسیله من از سفر او به دمشق استقبال کرد.

■نبیه‌بری در حالی که منظورش فواد سنیوره است– می‌گوید درهای دمشق برای همه لبنانی‌ها باز است. آیا این قانون مشمول میشل عون هم می‌شود؟

بله. بی‌تردید.

■در این راستا کاری هم کرده‌اید؟

هنوز نه، ما منتظر نتیجه گفت‌وگو میان گروه‌های لبنانی هستیم و در حالی که برخی سوریه را به مداخله در این گفت‌وگوها متهم می‌کنند فعلاً میزبانی از این افراد چندان عاقلانه نیست اما در هر صورت درهای دمشق بر روی همه باز است.

■به عنوان یک همسایه مهم به طرف‌های گفت‌وگو در لبنان چه توصیه‌ای دارید؟

توصیه ما این است که اول از هرچیز با یکدیگر صادق باشند و عشق به لبنان و نه طایفه و گروه را مبداء گفت‌وگوهای خود قرار دهند.

■آیا شنیده‌اید که سعد الحریری نماینده پارلمان در دیدار با ژاک شیراک به نحوی سوریه را متهم به تلاش برای عمیق کردن اختلاف میان گروه‌ها متهم کرده است؟

پرسش من این است که آیا این اختلاف‌ها تازه به وجود آمده یا از گذشته نیز وجود داشته است؟ این اختلاف‌ها جزیی از تاریخ لبنان چندقومیتی است و مربوط به زمانی پیش از جنگ داخلی و حضور سوریه و حتی حضور فرانسوی‌ها در لبنان است. بنابراین اولاً چنین ادعایی کاملاً دروغ است و ثانیاً سوریه چه بهره‌ای از این اختلافات خواهد برد؟ این پرسش ساده‌ای است. بروز اختلاف در لبنان جز خونریزی و بی‌ثباتی هیچ نتیجه‌ای ندارد و این تاوان گزافی است که بر فرض صحت ادعاهای حریری برای سوریه چیزی جز تشدید فشار بین‌المللی ندارد. اگر چنین چیزی درست باشد بدین معناست که سوریه به دنبال بروز جنگ داخلی در لبنان است اما پرسش من این است که مگر جنگ داخلی پیشین برای ما مفید بود که به دنبال تکرار آن باشیم؟

■اگر سعد الحریری ریاست دولت را بر عهده بگیرد آیا باز هم می‌گویید که درهای دمشق برروی همه باز است؟

بله چون ما صرف‌نظر از منصب افراد چنین ادعایی را مطرح کردیم و سیاست خارجی ما نیز مبتنی بر سخن این و آن نیست. مبنای سیاست منافع عمومی است، نه رفتارهای شخصی.

■برای کامل‌تر شدن بحثمان در مورد لبنان می‌پرسم. سوریه به نحوی از گزارش سرژ برامرتز در مورد ترور رفیق حریری استقبال کرده است. منتقدین سوریه نیز معتقدند که لبنان میان نتیجه نهایی تحقیق و رابطه با سوریه قائل به تفاوت است. اما سوریه هنوز نگران نتیجه نهایی این تحقیقات است. آیا این درست است؟

ما تا این لحظه نگران نتیجه تحقیقات نبوده‌ایم. تاکنون چهار گزارش ارائه شده است که دو گزارش از این تعداد توسط کمیته تحقیق پیشین و با هدف محکوم کردن سوریه تهیه شده بود با این وجود اکنون هر چهار گزارش در دستیابی به چنین هدفی ناکام بوده‌اند و دوتای آخر که تا حدودی حرفه‌ای‌تر تنظیم شده بودند سوریه را گناهکار نشناخته‌اند. بنابراین مشخص شدن واقعیت‌های این پرونده بیشتر از آنکه باعث خوشحالی مخالفان سوریه شود باعث خوشحالی خود ماست و هرچه این گزارش‌ها دقیق‌تر تنظیم شوند منافع ما نیز بیشتر تامین شده است. نگرانی ما از نتیجه پرونده نیست بلکه از میزان فشارهایی است که در صورت نتیجه‌گیری‌های اشتباه و مغرضانه می‌تواند از سوی جامعه جهانی متوجه سوریه شود. اما با در نظر داشتن احتمالاتی که در گزارش جدید مطرح شده است وضعیت فرق می‌کند.

■منظورتان احتمال انتحاری بودن ترور حریری است؟

هر نوع احتمالی. ما معتقدیم که هر اتفاقی ممکن است افتاده باشد و نباید سوریه را به عنوان تنها احتمال قطعی این ترور مطرح کرد و وجه تمایز گزارش اخیر با دیگر گزارش‌ها نیز همین مسئله است.

■جناب رئیس جمهور آیا درست است که شما گفته‌اید اگر یک سوری در این پرونده دخالت داشته باشد او را تحویل می‌دهید؟

بله چون او یک خائن است و قوانین سوریه را در این زمینه زیر پا گذاشته است.

■آیا آقای برامرتز به تازگی خواستار سفر به سوریه شده است؟

خیر.

■از دیداری که پیشتر با او داشتید راضی هستید؟

بله چون وقتی شما خودتان را بیگناه بدانید از اینکه به سخن شما گوش می‌دهند احساس رضایت می‌کنید. مهلیس دوبار خواستار دیدار با من شد ولی من رد کردم و بدون در نظر داشتن ابعاد بین‌المللی مسئله حتی جوابش را هم ندادم اما در مورد برامرتز اوضاع فرق می‌کرد و ما در آن چند ساعت دیدار خوبی داشتیم.

■آیا او درخواستی از سوریه داشت که با پاسخ منفی شما مواجه شود؟

هرگز، او در گزارش خود از همکاری سوریه ابراز رضایت کرده بود و این نشان از حسن تفاهم دارد و نشان می‌دهد که همکاری ما در طول تحقیقات مستمر و صادقانه بوده است.

■چرا این نگرانی در لبنان وجود دارد که همپیمانان لبنانی سوریه برای ممانعت از ارجاع پرونده سوریه به دادگاه بین‌المللی در پی براندازی حکومت هستند؟

من چنین گمانه‌زنی‌ای را در سطوح رسمی و جدی نشنیده‌ام اما به شکل منطقی باید گفت که دادگاه بین‌المللی نیز به دنبال روشن شدن حقیقت است. وقتی در گزارش چیزی مطرح می‌شود که ما از آن استقبال می‌کنیم و این دادگاه نیز براساس این گزارش حکم می‌کند چرا باید به اصطلاح «همپیمانان» ما دنبال براندازی باشند. این حرف‌ها نوعی بازی سیاسی است همین و بس.

■اگر یک عنصر دوست با سوریه ریاست دولت را در لبنان بر عهده بگیرد آیا سوریه در لبنان سفارت خواهد داشت؟

موضوع سفارت را خود من در آخرین جلسه کمیته عالی سوری– لبنانی و در حضور رئیس‌جمهور لحود، نبیه بری و عمر کرامی (مارس ۲۰۰۵) مطرح کردم. من در آن جلسه گفتم که اگر شما معتقد به ضرورت داشتن سفارت در لبنان هستید این مسئله را بررسی کنید و آن را در کمیته به بحث بگذارید. خود ما مخالفتی با داشتن سفارت نداریم منتها فاصله کم دمشق با بیروت– به نحوی که از فاصله دمشق با حمص نیز کمتر است –ضرورت داشتن سفارت در لبنان را زیر سوال می‌برد.

■این روزها از مشخص کردن حدود مرزی سوریه– لبنان و تاکید قطعنامه ۱۶۸۰ بر آن صحبت به میان می‌آید. نظر شما دراین باره چیست؟

در نوامبر گذشته نخست‌وزیر سوریه طی نامه‌ای به همتای لبنانی خود آقای سنیوره موافقت سوریه با مشخص کردن مرز سوریه و لبنان را اعلام کرد. اما کاملاً واضح است که سنیوره بازی‌اش گرفته و حتی زمانی که ما اعلام موافقت می‌کنیم دست از بازی برنمی‌دارد. موضوعی که در این راستا قابل بحث است مسئله مزارع شبعا است. از نظر ما اکنون که این منطقه در اشغال اسرائیل است زمان مناسبی برای مرزبندی آن نیست اما سایر نقاط مانند مرز با اردن هیچ مشکلی ندارد و ما از دو سال پیش در این راستا گام‌های مهمی برداشته‌ایم.

■آقای ولید معلم در قاهره از کمیته کاری در این باره صحبت کرده است. آیا این کمیته اکنون مشغول کار است؟

تا جایی که من می‌دانم این مسئله مربوط به سال‌های گذشته و حدود دهه ۷۰ است و از وضعیت کنونی این کمیته اطلاعی ندارم. فقط این را می‌دانم که عده‌ای در این میان برخی اهداف خاص را دنبال می‌کنند.

■آیا خروج سوریه از لبنان باعث ایجاد تغییر در رابطه آن با حزب‌الله شده است؟

به هیچ‌وجه، رابطه خوب ما با حزب‌الله و سیدحسن نصرالله پابرجاست.

■آیا می‌توان گفت که اکنون برگ «آس» شما در لبنان کم شده است؟

برعکس، ما را مسئول تمام مشکلات لبنان می‌دانستند اما اکنون دیگر اینچنین نیست و در سطح چند روزنامه محدود شده است. مردم لبنان نیز به خوبی دریافته‌اند که این اتهامات بی‌اساس بوده است. اکنون مردم سوریه و لبنان از خود می‌پرسند حالا که سوریه در لبنان نیست چه کسی مسئول مشکلات است؟ و مطمئناً جواب واضحی را برای خود خواهند داشت.

■آیا زمانی که تصمیم گرفتید لبنان را ترک کنید لحظات دشواری را سپری کردید؟

هرگز، موضوع حضور نیروهای یک کشور در منطقه‌ای دور از آن باعث دغدغه، فشار و نگرانی است ضمن آنکه دروغ‌ها و اتهاماتی که به سوریه وارد می‌شد روح هر سوری را جریحه‌دار می‌کرد. خروج ما از لبنان پایانی بر این دغدغه‌ها بود بنابراین نمی‌توان آن را تصمیمی سخت و ناگوار دانست.

■بنابراین می‌توان گفت که سوریه هرگز به شکل نظامی یا سیاسی در لبنان دخالت نمی‌کند؟

اگر از نظامیان یا سیاستمداران این پرسش را بکنید جواب منفی می‌دهند زیرا چنین اقدامی وقت و توان بسیاری از شما می‌گیرد. فکرش را بکنید که به عنوان یک نظامی باید در کشوری بیگانه آن هم در وضعیتی امنیتی و ناپایدار به سر ببرید یا آنکه به عنوان یک سیاستمدار آبروی خود را وجه‌المصالحه اهداف نامشخص کنید آن وقت به راحتی می‌توانید در این زمینه ابراز نظر کنید.

■رابطه شما با فرانسه چگونه است؟ آیا برای برقراری رابطه منتظر کنار رفتن شیراک می‌مانید؟

کنار رفتن شیراک مربوط به خود فرانسوی‌ها است و سوریه مشکلی در برقراری رابطه ندارد به شرطی که این رابطه توام با احترام متقابل و به شکل مستقیم باشد نه اینکه کشور ثالثی مبنا و محور ایجاد رابطه قرار گیرد.

منبع: الحیات

خبرها

توافق گروه‌های فلسطینی بر «سند اسیران»

فارس: همه گروه‌های فلسطینی به استثنای جنبش جهاد اسلامی درباره منشور وفاق اسیران فلسطینی به طور اجماع به توافق رسیدند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، سامی ابوزهری سخنگوی حماس به این خبرگزاری گفت: ما درباره تمام بندهای منشور اسرای فلسطینی توافق کردیم. عزام‌الاحمد رئیس فراکسیون فتح در مجلس فلسطین تصریح کرد: درباره منشور اسرای فلسطینی بعد از ایجاد تغییراتی اندک در آن به توافق رسیدیم و امشب [دیشب] در یک کنفرانس مطبوعاتی بعد از تقدیم آن به محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان و اسماعیل هنیه نخست‌وزیر اعلام خواهد شد. وی افزود: گروه جهاد اسلامی از ابتدا با این منشور مخالف بوده و برخی مفاد آن را نخواهد پذیرفت. ادامه گزارش مربوط به فلسطین را در صفحه ۸ بخوانید.

محاکمه صدام درباره قتل‌عام کردها

فارس: دادگاه عالی جنایی عراق اعلام کرد محاکمه صدام و شش تن از همدستانش در پرونده قتل‌عام کردها در عملیات انفال در دهه ۸۰ میلادی، بیست‌ویکم اوت (۳۰ مرداد) آغاز می‌شود. سخنگوی رسمی دادگاه جنایی عراق در بیانیه‌ای که نسخه‌ای از آن را خبرگزاری فرانسه دریافت کرد، گفت: دادگاه دوشنبه بیست‌ویکم اوت را به عنوان تاریخ آغاز بررسی پرونده قتل‌عام کردها تعیین کرده است. صدام در سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۹ بیش از یکصدهزار کرد را کشت و بیش از ۳هزار روستای کردنشین در شمال عراق را ویران کرد. در این عملیات که بخشی از آن در شهر حلبچه صورت گرفت، ۵ هزار نفر از جمله کودکان و زنان کشته شدند. گروه‌های حقوق بشر حمله حلبچه را یکی از فجیع‌ترین جنایاتی می‌دانند که رژیم صدام مرتکب شده است. از دیگر متهمان پرونده انفال می‌توان به «علی حسن مجید» پسرعموی صدام یا علی شیمیایی و «سلطان هاشم» وزیر دفاع سابق عراق اشاره کرد. صدام و هفت تن از همدستان او به اتهام قتل‌عام بیش از ۱۴۰ شیعی در شهر دجیل در سال ۱۹۸۲ محاکمه شدند که در صورت اثبات این اتهام، وی به مجازات مرگ محکوم خواهد شد.

درخواست روسیه از شورای امنیت

مهر: روسیه خواهان نشست فوری شورای امنیت سازمان ملل برای گفت‌وگو درباره قتل چهار دیپلمات روس در عراق شد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، خبرگزاری‌های روسی به نقل از منابع سازمان ملل در نیویورک اعلام کردند که این نشست ممکن است به زودی برگزار شود. روسیه روز دوشنبه مرگ چهار دیپلمات خود در بغداد را اعلام کرد. یکی از گروه‌های شورشی وابسته به القاعده، مسئولیت قتل چهار دیپلمات روسی را برعهده گرفت. پنج دیپلمات روسی سوم ماه ژوئن در غرب بغداد در منطقه المنصور ربوده شدند که یکی از آنها در حین آدم‌ربایی کشته شد.

زندانی شدن یک روزنامه‌نگار مصری

ایرنا: دادگاه مصر روز گذشته «ابراهیم عیسی» سردبیر روزنامه «الدستور» را به یک سال زندان محکوم کرد. به گزارش روز سه‌شنبه شبکه تلویزیونی العربیه، اتهام وی اهانت به «حسنی مبارک» رئیس‌جمهوری مصر عنوان شده است. سردبیر مذکور به همراه دو تن دیگر از همکاران خود به یک سال زندان و پرداخت ۱۰ هزار جنیه مصری محکوم شده است. عیسی به پایگاه اینترنتی «العربیه‌نت» گفت: برای اولین بار است که در مورد اهانت به رئیس‌جمهوری این حکم صادر می‌شود و این می‌تواند بسیار خطرناک شود. العربیه افزود: ابراهیم عیسی در مقالات خود در روزنامه الدستور انتقادات تندی به دولت مصر کرده است.

رامسفلد به زودی به اسرائیل می‌رود

ایلنا: «دونالد رامسفلد» در هفته‌های آینده راهی اسرائیل می‌شود. روزنامه عربی الشرق‌الاوسط به نقل از روزنامه اسرائیلی «هاآرتص» گزارش داد: «پیش‌بینی می‌شود که دونالد رامسفلد وزیر دفاع آمریکا (پنتاگون) در چند هفته آینده برای دیدار با مقامات ارشد اسرائیلی به تل‌آویو سفر کند. این نخستین سفر رامسفلد به اسرائیل پس از برعهده گرفتن سمت وزارت دفاع در کابینه «جورج بوش» رئیس‌جمهوری آمریکا از سال ۲۰۰۱ میلادی تاکنون است.» روزنامه اسرائیلی «هاآرتص» نوشت: «رامسفلد در چارچوب سفر دوره‌ای به منطقه علاوه بر دیدار از تل‌آویو به امان و قاهره نیز سفر می‌کند.» بنابراین گزارش، وزیر دفاع آمریکا در این سفر با «ایهود اولمرت» نخست‌وزیر و «عمیر پرتز» همتای اسرائیلی خود دیدار و گفت‌وگو خواهد کرد. رامسفلد همچنین با فرماندهان ارشد نظامی اسرائیل نیز ملاقات می‌کند.

مجتمع مسکونی صالحی واقع در شهرستان آمل (خیابان هراز - آفتاب ٤٤ فاصله با ساحل دریای خزر ۱۵ کیلومتر)

پروژه های مسکونی صالحی رتبه اول در استان مازندران و رتبه دوم کشور در ششمین همایش سال ۸٤ به جهت کیفیت در اجراء کار و Q.F.D و معماری را دارا می باشد. مجتمع مسکونی صالحی در سه بلوک جدا از هم هر بلوک ۸ واحدی در ۵ طبقه در زمینی به مساحت ۱۸۰۰ متر مربع در بهترین منطقه، سند مالکیت، فضای سبز شمالی و جنوبی، اتاق سرایداری، سالن ورزش با تجهیزات، موتورخانه مرکزی، اطفاء حریق، آنتن مرکزی، سیستم جاروی مرکزی، دوربین مدار بسته، درب ورودی و پارکینگ الکترونیکی، آیفون تصویری، آسانسور اتوماتیک با سیستم (Black out) و برق اضطراری. شایان ذکر است. نمای ساختمان از سنگ تراورتن ممتاز آتشکوه (حاجی آباد) از نوع صیقلی به رنگ سفید و تراورتن قرمز (آذر شهر)، کف و دیوار ورودی آپارتمان و دور آسانسور سنگ تراورتن سفید و قرمز و سرامیک اسپانیا و رنگ پلیمه.

هر واحد آپارتمان به مساحت های ۱۷۰، ۱۸۰، ۱۹۰ مترمربع، سه خوابه، سالن پذیرایی، اتاق نشیمن، آشپزخانه اپن، اتاق پخت با هود ایتالیایی، شوفاژ، چهار عدد کولر اسپلیت، وان جکوزی، سونای خشک برقی، دو تا شومینه و باربکیو، سه خط تلفن و برق سه فاز و دو تا پارکینگ و انباری اختصاصی برای هر واحد. همچنین شیشه پنجره ها دو جداره و (دستگیره درب، کاشی و سرامیک کف آپارتمان) اسپانیائی، دکوراسیون و جاختخوابی و کابینت و سوپر آشپزخانه MDF، لازم بذکر است آخرین طبقه ارتفاع سقف بلند با تیرگهای چوبی و کف پارکت با دید دریا و جنگل میباشد. گفتنی است که پروژه های مسکونی صالحی همیشه ایمن و ارزش افزوده زیادی میباشد.

قیمت واحدها:

طبقه	متراژ	قیمت (تومان)	قیمت کل (تومان)
اول	۱۷۰	۱/۳۵۰/۰۰۰	۲۲۹/۵۰۰/۰۰۰
دوم	۱۸۰	۱/۳۶۰/۰۰۰	۲٤٤/۸۰۰/۰۰۰
سوم	۱۹۰	۱/۳۷۰/۰۰۰	۲۶۰/۳۰۰/۰۰۰
چهارم	۱۸۰	۱/۳۸۰/۰۰۰	۲٤۸/٤۰۰/۰۰۰

شماره های تماس:
۰۹۱۱ ۱۱۱ ۱۱ ۲۶
۰۹۱۱ ۳۲۱ ۳۱۵۰
۰۹۱۱ ۱۲۵ ۱۹۱۳
دفتر:
۰۱۲۱ – ۲۲٤۸۸۰۰
فاکس:
۰۱۲۱ – ۲۲۵۱۳۰۸
دفتر تهران: ۸۸۷٤۲۳۶

ضمنا هر واحد مبلغ ۷۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان وام هم تعلق میگردد که از مبلغ کل کم میشود.